

فواید اخلاق نیک و مضرات بد خلقی

شوخی یکی از نشانه‌هایی خوش اخلاقی است. اما باید دانست که شوخی حد و مرزی دارد، اگر از آن بگذرد نه تنها خوش اخلاقی نیست، بلکه یکی از بدترین و خطرناکترین خصلتها خواهد بود. شوخی پسندیده آن است که موجب شادی دیگران شود، اما نه به هر قیمتی. آیا شما حاضرید به خاطر این که من بخندم و خوشحال شوم سرتان را بکوبید به دیوار؟ اگر حاضر نیستید، پس مواظب شوخی هایتان باشید و با کوبیدن دیگران مرا نخندانید که بالاخره دامن‌تان را خواهد گرفت.

چقدر بد است، ماها برای خنداندن دیگران، یکی دیگر را می‌رنجانیم یا مسخره‌اش می‌کنیم. پیامبر مهربان - که درود و خدا برو و خاندانش باد- فرمود: «إِنِّي لَأَمْزُحُ وَ لَا أَقُولُ إِلَّا حَقًّا ۱؛ من شوخی می‌کنم، ولی جز سخن حق نمی‌گویم.»

امام صادق (علیه السلام) نیز شوخی زیاد را با رعایت آدابش با همسفران، و پوشاندن رازها را پس از جدایی از آنان، از آداب سفر برشمرده است. چنانکه پیداست وظیفه‌ی انسان هم شوخی کردن است و هم عیب پوشی. نه اینکه با عیوب دیگران شوخی کرد.

یونس شیبانی می‌گوید: حضرت صادق (علیه السلام) از من پرسید: مزاح تو با یکدیگر چگونه است؟ عرض کردم: بسیار اندک! حضرت فرمود: «این گونه نباش، چرا که مزاح کردن از حسن خلق است و تو می‌توانی به وسیله آن دیگران را شادمان کنی. پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) نیز با افراد شوخی می‌کرد و منظورش شاد کردن آنان بود.» ۲.

معمر بن خلاد هم گفته: از حضرت رضا (علیه السلام) پرسیدم: گاهی در میان جمع، سخنی به میان می‌آید که همه شوخی می‌کنند و می‌خندند، ایرادی ندارد؟ حضرت فرمود: مانعی نیست، اگر نباشد، - و من یقین کردم منظور آن حضرت آن است که فحش و ناسزایی در میان نباشد - سپس فرمود: مردی از اعراب بادیه‌نشین نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌آمد و برای آن حضرت هدیه می‌آورد و همان‌جا می‌گفت: پول هدیه‌ی مرا مرحمت کن! و رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) از این سخن می‌خندید. و هرگاه غمگین می‌شد می‌فرمود: اعرابی چه می‌کند؟ کاش نزد ما می‌آمد [و با سخنانش ما را می‌خنداند]. ۳

خوب به این نکته فکر کنیم که چه کسی از خانواده‌مان لایق تر، که ما خندیدن را نثار آنان کنیم؟ چه خوب است که ما هم مثل یونس حرف امام را گوش کنیم و این رفتار پسندیده را به تمام زندگیمان سرایت دهیم. در خانه، محل کار و تحصیل، توی اتوبوس، با مغازه‌دار و ...

در پایان بیایید با هم قراری بگذاریم. فرقی نمی‌کند که چه کاره‌ایم و چند ساله، فرقی نمی‌کند زنیم یا مرد، هر که هستیم باشیم، اما از امروز قبل از آنکه خانواده‌ی خود را ببینیم، حتماً یک شوخی یا جوک دست و پا کنیم تا وقتی به هم رسیدیم، با آن، پذیرایی‌شان کنیم و کامشان را شیرین.

من از همین الان شروع می‌کنم و اولین مهمان من شما هستید، بفرمایید: روزی پیامبر اسلام(ص) به پیرزنی برخورد و به او گفت: هرگز پیرزن بهشت نمی‌رود! پیرزن از شنیدن این حرف غمگین شد. بلال از راه رسید و با مشاهده آن صحنه، وضعیت زن را برای پیامبر نقل کرد. حضرت به بلال فرمود: سیاه پوستان هم به بهشت نمی‌روند. بلال نیز مانند پیر زن اندوهگین گشت. در هین گیر و دار عباس، عموی پیامبر هم از راه رسید و پس از فهمیدن ماجرا آن را برای پیامبر بازگفت. پیامبر فرمود: پیرمردها هم به بهشت گام نمی‌نهند.

بعد، رسول خدا [حتماً درحالی‌که لبخندی به لب داشت] گفت: خداوند اینان را با بهترین شکل ظاهری و در قالب جوانانی نورانی وارد بهشت می‌سازد. پیرها جوان و سیاه‌ها، سفید و نورانی به بهشت می‌روند.

منابع و مآخذ:

۱- بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۹۸.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۶۶۳.

۳- سنن نبی، علامه طباطبایی